

اعزام یک کاروان «رسانه‌ای» از ایران به لبنان و مرز اردن



یک هیات رسانه‌ای از ایران دیروز در بیروت با رئیس هیات اجرایی حزب الله لبنان دیدار کرد. به گزارش ایسنا، معاونت مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد که همراه این گروه است، در این دیدار گفت: «ما آمادگی داریم که جبهه مشترک رسانه‌ای مقاومت را تشکیل دهیم».

فرشاد مهدی پور افزود: «رسانه‌هایی که در سراسر جهان و کشورهای مختلف هستند و به آرمان مقاومت اعتقاد دارند نیز می‌توانند بیابند و در این جبهه مشارکت کنند و مادر وزارت فرهنگ و ارشاد جمهوری اسلامی ایران و معاونت مطبوعاتی آن از چنین ظرفیتی برخورداریم». جزییاتی از هیات اعزامی منتشر نشده است اما محمد مهدی اسماعیلی به خبرنگاران گفته است که «کاروانی از همکاران رسانه‌ای به مرز اردن رفتند، بخشی هم دیروز به لبنان رفتند بر نامه‌های فشرده ای دارند تا بتوانند فضای مظلومیت را منعکس کنند».

واکنش وزیر ارشاد به بیانیه اهالی سینما



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به بیانیه سینماگران گفت: جوسازی‌های نادرست و کذب برای این صورت می‌گیرد که جلوه‌درخشش سینمای ایران که در حال وقوع است، گرفته شود.

به گزارش ایسنا، محمد مهدی اسماعیلی در حاشیه جلسه هیأت دولت در جمع خبرنگاران افزود: آنچه که هفته گذشته در رابطه با بیانیه سینماگران رخ داده نمونه یک شیطنت و رسانه‌ای بود آن چیزی که اتفاق افتاده بود یک گشایش مهم در حوزه اقتصاد سینما بود. مدیر مربوط با سازمان سینمایی اعلام کرده بود فیلم‌هایی که عواملی اعم از بازیگر و کارگردان آنها دچار مشکلاتی هستند که نمی‌توانند در برخی فعالیت‌های عادی حضور داشته باشند نمایش آن فیلم‌ها ممنوع به این ممنوعیت نامیدیم. به همین دلیل از ابتدای دولت جدید فیلم‌های متعددی به نمایش درآمده که عوامل آنها مشکل داشتند که اگر در گذشته بود آن فیلم نباید نمایش داده می‌شد ولی به نمایش در آمدند و این اتفاق مهم رخ داده و امروز حوزه سینما بهترین دوره خود را طی می‌کند. بیانیه نویس‌های سیاسی حتی یک بار به این موفقیت بزرگ اشاره نمی‌کنند و زیاده‌اشاد ادامه داد: ما تصورمان این است که این جوسازی‌های نادرست و کذب برای این صورت می‌گیرد که جلوی درخشش سینمای ایران که در حال وقوع است، گرفته شود. فیلم‌هایی امروز عرضه شده که جزو پر تماشاگر ترین فیلم‌های تاریخ سینمای ایران شده‌اند و می‌خواهند این موفقیت دیده نشود. اسماعیلی به ادامه باطرح این سوال که چرا اناراحتند از این که اقتصاد سینما فعال است؟ اظهار کرد: چرا اناراحتند که اهالی سینما در حال فعالیتند؟ حالا اگر به لحاظ سیاسی ناراحتند چرا ناراحتی شان را در قالب بیانیه علیه سینمای کشور نشان می‌دهند. دوست دارم این دوستان دیروز و امروز ما با سینما آشتی کنند و با سینماگران دوست باشند و به دنبال رونق سینما باشند و به دنبال حذف سینمای ملی نباشند.

وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات گفت: استارلینک مکلف شده است برای فعالیت در ایران از سازمان تنظیم مقررات مجوز بگیرد.

به گزارش ایسنا، عیسی زار پور در حاشیه جلسه دیروز هیأت دولت در جمع خبرنگاران اظهار کرد: نمایندگان ارائه دهنده اینترنت ماهواره‌ای شرکت استارلینک بعد از مذاکرات با سازمان تنظیم مقررات ایران و پذیرفتن قوانین سرزمینی ایران می‌توانند فعالیت خود را شروع کنند و افزود: استارلینک تا جلسه بعدی که در اسفندماه است مکلف شده تا ساز و کارهای اجرایی را فراهم کند و ما هم موضوع را پیگیری می‌کنیم.

درباره نمایش‌های «کنل» و «حقایق درباره سگ‌ها و گرچه‌ها»

تئاتر بر مدار انبوهی تولید و کمیابی تماشاگر



کشور است و در این راه با همراهی دوستان منور الفکری چون عارف قزوینی، در پی سامان دادن به معیشت و امنیت مردم خراسان. کنل پسیان مکتب‌وار رضا خان، حذف کنل پسیان است و به قدرت رسیدن سردار سپه. حال با مرگ کنل پسیان این رضا شاه است که با عنوان پادشاهی، تجدید آفرینش را در قلمرو سرزمین ایران می‌گستراند و معمار ایران نوین نام می‌گیرد. محمد نقابی در مقام نمایشنامه‌نویس به کنل پسیانی می‌پردازد که در پی آبادانی

بر بحرانی کردن عرصه نمادین، توانایی سرگرم کردن تماشاگران را دارند و کیفیور می‌کنند مخاطبان را. این هفته و بنابر سنت این چند ماه به دو اجرا از تولیدات تئاتر کلاشهر تهران می‌پردازیم و نقاط قوت و ضعف این آثار را بررسی می‌کنیم.



محمدحسین خدایی

نمایش اول - کنل

همچنان تعداد اجراهای تئاتری که در سالن‌های دولتی، نیمه‌دولتی و خصوصی کلاشهر تهران این شب‌ها بر صحنه آمده موجب شگفتی ناظران است. در غیاب تماشاگران پر تعداد، چرایی این حجم از اجراهای هر روزه با توجه به اقتصاد نحیف تئاتر، مقدمه‌ای است چالش‌برانگیز برای پژوهشگران در باب میل همگانی برای حضور در صحنه. به دیگر سخن اغلب اجراهای تئاتری فروش چندانی ندارند و تماشا کردن آنان مصداق بارز هدر دادن وقت و سرمایه است. در این چرخه باطل تولید تئاتر و همچنین متضرر شدن گروه‌های اجرایی، بی‌شک واقعیت‌های پنهان در جریان است که اهالی تئاتر میل ندارند آن را بر زبان آورده و مطرح کنند که چرا صحنه تئاتر به تنسختن افرادی درآمده که تجربه چندانی ندارند و به لحاظ زیباشناسی و سیاست‌های اجرا، چنان از محله پرت هستند که نمی‌توان آن‌ها را جسدی گرفت و در سباب اجرا به گفتگو نشست. امید است این دور باطل چندان مداوم نیابد و صحنه‌های تئاتر بار دیگر محل حضور اجراهای باکیفیت و واجد سلیقه شود. اجراهایی که علاوه

نمایش دوم - حقایق درباره سگ‌ها و گرچه‌ها

می‌آورد یا کمترین حضور توده‌های مردم خراسان. بر توتل برشت را به یاد آوریم که در نمایشنامه‌هایش به مردم عادی می‌پرداخت و از این باب، راهی بشریت را نتیجه عاملیت توده‌ها می‌دانست. در نهایت نمایش کنل اراده معطوف به قدرت کنل پسیان را هیچ‌گاه آشکار نمی‌کند و پروژه قهرمان مغلوب‌سازی از او را بی‌می‌گیرد.

کشور است و در این راه با همراهی دوستان منور الفکری چون عارف قزوینی، در پی سامان دادن به معیشت و امنیت مردم خراسان. کنل پسیان مکتب‌وار رضا خان، حذف کنل پسیان است و به قدرت رسیدن سردار سپه. حال با مرگ کنل پسیان این رضا شاه است که با عنوان پادشاهی، تجدید آفرینش را در قلمرو سرزمین ایران می‌گستراند و معمار ایران نوین نام می‌گیرد. محمد نقابی در مقام نمایشنامه‌نویس به کنل پسیانی می‌پردازد که در پی آبادانی

همچنان تعداد اجراهای تئاتری که در سالن‌های دولتی، نیمه‌دولتی و خصوصی کلاشهر تهران این شب‌ها بر صحنه آمده موجب شگفتی ناظران است. در غیاب تماشاگران پر تعداد، چرایی این حجم از اجراهای هر روزه با توجه به اقتصاد نحیف تئاتر، مقدمه‌ای است چالش‌برانگیز برای پژوهشگران در باب میل همگانی برای حضور در صحنه. به دیگر سخن اغلب اجراهای تئاتری فروش چندانی ندارند و تماشا کردن آنان مصداق بارز هدر دادن وقت و سرمایه است. در این چرخه باطل تولید تئاتر و همچنین متضرر شدن گروه‌های اجرایی، بی‌شک واقعیت‌های پنهان در جریان است که اهالی تئاتر میل ندارند آن را بر زبان آورده و مطرح کنند که چرا صحنه تئاتر به تنسختن افرادی درآمده که تجربه چندانی ندارند و به لحاظ زیباشناسی و سیاست‌های اجرا، چنان از محله پرت هستند که نمی‌توان آن‌ها را جسدی گرفت و در سباب اجرا به گفتگو نشست. امید است این دور باطل چندان مداوم نیابد و صحنه‌های تئاتر بار دیگر محل حضور اجراهای باکیفیت و واجد سلیقه شود. اجراهایی که علاوه

یادداشت

تنهایی و تن‌هایی وطن‌هایی

الیه خیری

باقصه خود وارد داستانی می‌شود تا جنگ و ابعاد آن را به دور از نگاه جنسیتی روی صحنه نشان دهد اما واقعیت این است که نوک پرگار این نمایش نامه همانطور که از اسم آن پیداست حول شخصیت لارا شکل می‌گیرد، بنگار پذیر قبول نکنم که افشاریان بدون دلیل به سراغ محوریت زن رفته و آن را هدف قرار داده‌اند، قطعاً با توجه به شرایط جامعه و وقایع اخیر این نمایش نامه را مورد توجه قرار داده، به نظر می‌رسد پس از گذشت یک سال از حوادث تلخ اخیر، در آتمسفر و لایه‌های پنهان جامعه پیکر زن همچنان میدان نبرد است. افشاریان سعی می‌کنند از زبان مردان و زنان بوسنی، راوی رنجی که بر مردان و زنان این سرزمین رفت باشد، نیازی به دقت، هنر و بهره‌هوشی بالایی نیست تا این مسئله را بتوان به وضوح درک کرد، او در چندین موقعیت تماشاچی را مورد خطاب قرار می‌دهد و با او به تعامل می‌پردازد، مثلاً در جایی از مخاطب می‌خواهد تا متن‌هایی را برای او بخواند در جای دیگر تصویر مخاطب از کشورش را مورد پرسش قرار می‌دهد، طراحی صحنه نیز به گونه‌ای است که انگار تک تک ما مخاطبان در آرام‌سگه (کلمه‌ای که در نمایش به آن اشاره می‌کنند) اقامت داریم و به نوعی جزئی از اعضای آن بخش روانی هستیم، تمامی این‌المان‌ها از گفتار پنهان شده در نمایش صحبت می‌کنند که با هم‌فهمی استفاده شده است تا بتواند مانند بن‌دبازی، بر مرز باریک مسئولیت و سانسور قدم بردارد و سقوط نکند. همچنین گریم و بازی افشاریان تفاوت زیادی با گریم‌آور نقش علی در تئاتر تک‌تولک ندارد. انگار شخصیت علی در فرایند تناسخ به زمین آمده و حالا جز شنونده بودن برای صداهای رنج دیده، قابلیت در مان آن‌ها را نیز پیدا کرده است در جایی از تئاتر

شغلی به امری فراگیر در میان مردمان این طبقه شهری بدل شده و به بحران‌های مختلف اجتماعی و سیاسی دامن زده است. نمایش «حقایق درباره سگ‌ها و گرچه‌ها» را می‌توان ذیل این دغدغه‌های منزلتی صورت‌بندی کرد.

قصه این نمایش کمیابش ساده است: زن و مردی به انتظار تولد فرزند هستند که آینده‌اش نامعلوم است و نگران کننده. زن ترجیح می‌دهد برای یافتن زندگی بهتر به انگلستان نزد پدرش مهاجرت کرده و فرزندش را در آن کشور به دنیا آورد اما مرد مخالف این سفر طولانی است و مشکلات مالی را دلیلی بر ضرورت ماندن در کشور خود و ادامه وضعیت موجود می‌داند. نمایش سه صحنه دارد و تقابل مهاجرت است با ماندن.

صحنه اول در بالکن اتفاق می‌افتد که یک فضای بینابینی است مابین حوزه خصوصی و فضای عمومی. بالکن امکان تماشا کردن دیگران و احتمال تماشا شدن توسط همان دیگران را ممکن می‌کند. حضور نامتعارف یک همسایه که از نظر مرد، زنی است بیش از اندازه چاق و لاجرم زشت، گفتگوهای زناشویی این زوج جوان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. محمدهادی عطایی که علاوه بر کارگردانی، نقش مرد را هم بازی می‌کند در این صحنه پر از انرژی و خنده‌آور ظاهر شده و در مقابل، ویدا جوان باطمانینه و تودار، نقش زن را بازی می‌کند. در صحنه اول، هادی عطایی ترکیبی است از طنز و حاضری جوانی، اما در صحنه دوم جنس بازی متفاوتی را از او شاهد هستیم که مبتنی است بر درون‌گرایی، سکوت و تا حدودی مرموز بودن. به لحاظ طراحی صحنه اجرا می‌توانست فضای بیشتری از سالن سایه مجموعه تئاتر شهر را به خود اختصاص داده و بالکن بزرگتری را با نمای کند، اما تر جیح گروه اجرایی بالکنی است کوچک و نزدیک به تماشاگران که شاید حسی از صمیمیت را انتقال دهد. با آنکه این مقصود حاصل آمده اما به لحاظ بصری، از زیبایی صحنه کاسته است و تکراری از فضاها و مکان‌ها را ناممکن کرده است.

در نهایت می‌توان این نکته را متذکر شد که همکاری محمد منعم و محمدهادی عطایی، تجربه‌ای جمع‌وجور از بازنمایی رئالیستی یک زندگی در آستانه فروپاشی است. البته محمد منعم ترجیح داده این فروپاشی خانوادگی را بیشتر در صحنه دوم به نمایش گذارد و صحنه سوم را در بازگشت به صحنه اول کمیابش شاد نشان دهد. تمهیدی که میل آن دارد با نشان دادن سر نوشت تلخ همسایه‌ای از تلخی رابطه زن و شوهر بکاوه و پایان قابل تحمل‌تری را برای مخاطبان رقم بزند. اما این تمهید ساختاری و برهم ریختن ترتیب صحنه‌ها، از پس پایان ملات‌بار زندگی این زوج نرمی آید و جدایی حتمی است. اما در این نمایش وضعیت‌ها و رنج‌ها، چه آنکه فرزند از دست می‌دهد و چه آنکه خود را نابود می‌کند، حقایق در جریان است: رستگاری امری جمعی است.



نیز به این موضوع اشاره می‌کند که گاهی فقط باید شنید. علاوه بر قدرت نویسندگی و بازی سجاد افشاریان، باید تمام قد برای بازی آتنا اسدی ایستاد و دست زده و مخاطب را با خود همراه می‌کند، حتی در لحظاتی که سکوت می‌کند، او نباید حرف بزند، نمی‌تواند مانند تجربه یک اتاق روانپزشکی جزئیات حادثه‌های ناگوار را شرح دهد اما باید مخاطب را با دردور رنجی که کشیده‌اشان کند تا مخاطب با او هم‌زاد پنداری کند. اسدی به زیبایی و با ظرافت این مسئولیت را انجام می‌دهد به صورتی که در بعضی از صحنه‌ها مخاطب با اشک‌های او، بغض می‌کند، حتی چشمانش نیز تر می‌شود، آتنا اسدی علاوه بر نقش سختی که ایفا می‌کند باید با وسیله‌ای که در زندگی روزمره با آن آشنا نیست از تباطر برقرار کند و آن را مال خود کند و از آن در جهت کمک به نقش‌اش استفاده کند، او با کنترل خوب دوستان خود بر ویلچر می‌تواند رنیم‌نمایش را نیز تغییر دهد در

لحظاتی که به رنیم‌تند احتیاج داریم، حرکت ویلچر تندتر می‌شود و در لحظات آرام‌نمایش، ویلچر سساکن است و با پاسر عت کمی حرکت می‌کند. کارگردانی کیومرث مرادی نیز نباید غافل شده و بازیگران را به درستی انتخاب کرده و از آن‌ها در مکان‌های مناسب و لحظات مناسب نمایش‌اش استفاده می‌کند. البته این نمایش دارای نقاط ضعفی هم هست، برای مثال با توجه به جملات صاف و دلنشین در این نمایش انتظار این است که کلمات و صحبت‌های بازیگران به وضوح شنیده شود، در صورتی که در بعضی از صحنه‌ها، صدا شفافیت لازم را ندارد. علاوه بر آن بلیط فروشی خارج از ظرفیت سبب عدم تمرکز تماشاچیان می‌شود. در هر صورت شمارا به دیدن جدیدترین نمایش از سجاد افشاریان با کارگردانی کیومرث مرادی دعوت می‌کنم تا در تنهایی بات‌های خسته‌ورنجور در وطنی آغشته به در دهشتاد دقیقه خودمان باشیم و روان زخم خود درمان.